

## عنوان مقاله:

شمسه نقشی به قدمت تاریخ

## محل انتشار:

هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسنده:

محمد ظهرايي

## خلاصه مقاله:

از گذشته های دور شمس در فرهنگ و هنر این سرزمین جای داشته و هر چه به جلو آمده ایم ، شمس در باورعموم و نیز در هنر این مرز و بوم نقشی بوده است نمادین که معانی مختلفی در آن متبلور گردیده است. خورشید در آیین میتراثیسم ایرانیان باستان «خور» نامیده می شد و بهانه ای بود برای ساخت معابد به نام «خرایاتیا ضمه = خرابیات با فتنحه» که در آنجا به تقدیس و تکریم اش می پرداختند و تا اندازه ای برای «خور» ارزشقائل بودند که نام مهمترین شهر ایران زمین را «خراسان = جایی که محل اقامت خورشید است» گذاردند ارتباط نزدیک و باطنی میان اسلام ، به ویژه عرفان اسلامی با هنرها سبب شده تا بسیاری از هنرمندان راز آشناتفکرات عرفانی خود را با تاویلی تجسمی به صورت نمادین هنری ، خصوصا در ابنیه های مذهبی در قالب طرح ونقش و رنگ ارائه نماید. وقتی به اجزای این نقش اهورایی نظر می افکنیم ، نقوشی را می بینیم که در کنار ریتم زیبا دارای مفاهیم عرفانبسیاریست. این نقوش در کنار اعداد ، نقشی را پدید آورده است که هم جنبه ی زیبایی شناسی را داراست و هممعنی و مفهومی پس شگرف دارد. شمس ای که نماد خداوند می باشد به گونه ای در ابتدای کتب آورده می شود که خود به معنی آغاز ، با نامخداوند می باشد. آنچه مسلم است بیان تمثیلی و نگاه انتزاعی به اشکالی ست که در جزء جزء شمس قابل رویت است و با اینکه ایناجزاء استقلال خویش را حفظ کرده اند ، در نگاهی کلی گویای وحدتی ست که به سمت و سوی بیان عرفانی خودحرکت میکنند و نماد گونه به فاش کردن اسراری در پی نقوش خویش می پردازد.

## کلمات کلیدی:

شمسه، میتراثیسم، خورشید، عرفان اسلامی، اشکال هندسی، اعداد

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1953426>

